info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۶۳۵
سه‌شنبه / ۸ آبان / ۱۴۰۳
۲۵ / ربیع الثانی / ۱۴۴۶
29 / October / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۲۴۲۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

در بحرِ فِتاده‌ام چو ماهی
تا یار مرا به شَست گیرد
در پاشِ فِتاده‌ام به زاری
آیا بُوَد آن که دست گیرد؟

خوانش

دل معشوق را ذوق است از همراهی عاشق
که گر محمود را گویی بیا، لول ایاز آید
عرفی

اذان

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۰۰	۰۶:۲۶	۱۱:۵۰	۱۷:۱۲	۱۷:۳۱

برگه

بسیاری از ما، رویاهایمان را زندگی نمی‌کنیم زیرا در ترس‌هایمان زندگی می‌کنیم!
لس براون

اشاره

از جهنم متا تا بهشت اسنپ فود، تفاوت را مسئولان رقم می‌زنند نه مردم!

یکبار دیگر مجموعه اطلاعات هک شده از اسنپ فود را مرور کنید و به پاسخ این سوال بیاندیشید که اگر هر شرکتی در جهان تا این اندازه در نگهداری از دیتاهای کاربران سهل انگاری کرده و موجب شده بود که همه اطلاعات ریز و درشت کاربران و همکاران شرکت به دست هکرها بیافتد و به فروش گذاشته شود، مستحق چه مجازاتی بود؟!

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، در روزگاری که بزرگترین غول شبکه‌های اجتماعی بابت یک خطا مشمول جریمه هنگفت صد میلیون دلاری می‌شوند، بزرگترین تخلفها در کشورمان هیچ عقوبتی برای رقم زنندگانش در پی ندارد!

حفاظت از حریم خصوصی و داده‌های کاربران از جمله موضوعات مهمی است که در چند سال اخیر به شدت مورد توجه سیاست گذاران قرار گرفته و جایگاه بسیار مهمی در جهان یافته است. کلان سیاستی که بر اساس آن، شرکت‌های بسیار بزرگ با چالشی فراگیر مواجه شده‌اند که راه خلاصی از آن، اعمال برخی تغییرات و بازنگری در اصول و قواعد کاری شان است.

مسیری که با وضع قوانین مربوط به حفاظت از داده‌ها آغاز شده و با الزام به اجرای آنها در برخی کشورها از جمله ایالات متحده و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به اعمال سخت‌گیری‌هایی برای فعالان این عرصه از جمله متا، شرکت مادر فیسبوک، اینستاگرام و واتس اپ انجامیده و در نتیجه، به تشکیل پرونده و در انتها، صدور رای سنگین در این خصوص ختم شده است.

از جمله این پرونده‌ها که سر و صدای زیادی هم به پا کرد، رویدادی است که در سال ۲۰۱۹ میلادی رقم خورد و نشان داد که رمزهای عبور میلیون‌ها کاربر فیس‌بوک و اینستاگرام به‌صورت متن ساده و بدون هیچ گونه رمزنگاری در سرورهای متا ذخیره شده است. رویدادی که لبته! در ایرلند و با پیگیری مقامات این کشور به تشکیل پرونده منجر شد و بعد به پرونده‌ای در اتحادیه اروپا بدل شد.

در نتیجه وسعت یافتن ابعاد پرونده، جریمه ۱۰۲ میلیون دلاری اولیه در ایرلند برای متا به جریمه‌ای به شدت کلان و با ابعاد ۱.۲ میلیارد یورو رسید تا کشمکش حقوقی بزرگی میان مقامات اروپایی و وکلای متا فراآغاز شود که هنوز به انتها نرسیده و ادامه دارد. هرچند بعید است جریمه متا در این پرونده به کمتر از چند ده میلیون برسد و فرجام این پرونده برای غول آمریکایی، خوب و خوش باشد.

یکی از نکات جالب این پرونده برای ما، شهروندان ایرانی، شروع مسیر قانون گذاری در حوزه حفاظت از داده‌های کاربران در ابتدای سال ۱۳۹۷ خورشیدی (معادل سال ۲۰۱۸ میلادی)، یعنی یک سال پیش از وقوع آن رویداد امنیتی در متا است. شروعی که با انتشار پیش نویس لایحه حفاظت از داده‌های شخصی (معادل GDPR در اروپا و آمریکا) رقم خورد، اما هنوز به تصویب و تبدیل آن لایحه به قانون منجر نشده است. اتفاقی که اگر رقم خورده بود، قطعا شاهد شکل گیری چندین پرونده بزرگ در کشورمان بودیم.

به عنوان نمونه به ماجرای هک دیتاهای کاربران برخی شرکت‌ها و سایت‌های ایرانی در سال‌های اخیر اشاره کرده که اسنپ فود یکی از آنها بود و مطابق دیتاهای نمونه‌ای که هکرها برای فروش عرضه کرده بودند، ابعاد بسیار بزرگتری از اتفاق رقم خورده برای متا داشت که تنها رمز کاربران را رمزنگاری نشده و به صورت ساده ذخیره کرده بود، چراکه رمزکاربران سرویس فروش غذای اسنپ به همراه نام کاربری شان، نام و نام خانوادگی افراد، شماره تماس، آدرس کامل به همراه موقعیت جغرافیایی دقیق و همه اطلاعات افراد به دست سودجویان افتاده بود.

رویدادی که در دی ماه سال گذشته رقم خورد و به فاصله حدود ده ماه از رقم خوردنش، هنوز هیچ عقوبتی برای این شرکت به دنبال نداشته و به نظر حتی به شکل گیری پرونده خاصی برای این مجموعه منجر نشده است. آن هم در دنیایی که می‌دانیم متا بعد از گذشت حدود پنج سال از تشکیل پرونده، هنوز نتوانسته با همه توانش از آن خلاصی بیابد و اعتبار مخدوش شده خود را احیا کند. وضعیتی که نسخه مشابه آن در آمریکا هم برای متا در دست پیگیری قرار دارد.

یکبار دیگر مجموعه اطلاعات هک شده از اسنپ فود را مرور کنید و به پاسخ این سوال بیاندیشید که اگر هر شرکتی در جهان تا این اندازه در نگهداری از دیتاهای کاربران سهل انگاری کرده و موجب شده بود که همه اطلاعات ریز و درشت کاربران و همکاران شرکت به دست هکرها بیافتد و به فروش گذاشته شود، مستحق چه مجازاتی بود؟!

البته قیاس این دو شرکت، که یکی از آنها به سراسر جهان نام آشناست و در هر زیرمجموعه اش، میلیاردها کاربر فعال دارد و دیگری تنها در مناطق شهری ایران فعالیت می‌کند و به دلیل برخی مشکلات مشهودی که دارد، برای شماری از کاربران خوش نام هم نیست، قیاسی مع الفارق به نظر می‌رسد، اما آنچه در این مساله تفاوت این دو را رقم می‌زند، نقش نهادهای نظارتی است نه ابعاد متا و امثال اسنپ.

به عبارت بهتر، آنچه موجب می‌شود که یکی از بزرگترین شرکت‌های کره زمین با البته کاربر با تشکیل پرونده و محکومیت سنگین مواجه شود و امثال اسنپ به رقم آنکه همه دیتاهای کاربران و همکارانی که در قلب پیک موتوری و... را به دلیل سهل انگاری و قصور از دست بدهند و کاربران را در معرض انواع خطرات قرار دهند، تفاوت نهادهای نظارتی در ایران و دیگر کشورهاست.

به عبارت بهتر، این مقایسه به وضوح نشان‌دهنده این است که وجود قوانین و نهادهای نظارتی کارآمد در امثال ایالات متحده، منجر به تأثیر مثبت بر رفتار شرکت‌ها نسبت به حریم خصوصی و امنیت داده‌ها می‌شود و در نقطه مقابل، عدم وجود قوانین و نهادهای نظارتی مؤثر در ایران، مانند وضعیت اسنپ فود، می‌تواند به نشت‌های گسترده اطلاعات شده و پیامدهای منفی برای کاربران به دنبال داشته باشد.

در یک کلام آنچه جهنم متا را رقم زده و آن چیزی که بهشت را برای متخلفانی مانند اسنپ فود و امثال آن هدیه آورده، یک چیز است؛ مسئولانی که اگر به فکر کاربران و حقوق شان باشند، برای استیفای حقوق ایشان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد! وضع قانون و تشکیل پرونده برای متخلفان تا لزام و اجبار شرکت‌ها به رعایت اصول ایمنی، مسئولانی که اگر در این امور کوتاهی کنند، شرکت‌ها با انواع و اقسام قصور و کوتاهی ها، مردم را به سلخ خواهند برد و حتی در صورت نشست گسترده دیتا هم مسئولیت نپذیرند.

گزارش روز

چرا صهیونیست‌ها از خبرنگاران واهمه دارند؟

بامداد جمعه (۴ آبان) برگ دیگری از جنایت‌های صهیونیست‌ها ورق خورد و هتلی که «همه می‌دانستند» محل لنگان خبرنگاران و اهالی رسانه است، هدف حمله آنها قرار گرفت و سه تن از اهالی رسانه مربوط به المیادین و المنار به شهادت رسیدند تا شمار شهدای رسانه‌ای از آغاز طوفان الاقصی به ۱۸۰ نفر برسد. مدتهاست خبرنگاران غزه و لبنان اعتمادی به جلیقه‌های آبی‌شان ندارند. کسانی که امروز خبرهای داغ فلسطین و لبنان را می‌نویسند، می‌دانند دیر یا زود زمانش می‌رسد که کسی برای خودشان بنویسد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرهیختگان، رژیم‌صهیونیستی از نشر جنایت‌هایی که رقم زده می‌ترسد و برای همین طوری روی خبرنگاران متمرکز شده که تا پیش از این بی‌سابقه بود. در جریان اشغال وینتام توسط آمریکا که نزدیک به ۲۰ سال طول کشید، ۶۳ روزنامه‌نگار و در جنگ شبه‌جزیره کره که ۳ طول کشید ۱۷ روزنامه‌نگار کشته شدند. اما در فلسطین چه؟ در فلسطین و لبنان طی یک‌سال ۱۸۰ خبرنگار به شهادت رسیده و این رقم را هیچ‌جوره نمی‌توان با اعداد قبلی مقایسه کرد. «ما هم نجنگید و اگر هم می‌جنگید خواستان به اصول جنگی باشد.» این را سازمان عریض و طویل ملل و قراردادها و کنوانسیون‌های مختلف می‌گویند. پایبندی به این اصول هم کار سختی نیست. صرفا دولت‌های مهاجم باید سعی کنند به افراد و گروه‌هایی که وظیفه خدمت‌رسانی اعم از خدمات پزشکی و یا اطلاع‌رسانی دارند آسیبی نرسانند؛ همین. با این‌حال در نقطه‌ای از نقشه نه با دولت که با موجودیت متحوسی طرفیم که ظاهرا تمام این قطعنامه‌ها و هشدارها را برعکس می‌خواند و هرچیزی که خلاف منافعش باشد را به فجیع‌ترین شکل ممکن از سر راهش برمی‌دارد و کک غربی‌هایی که به خودشان می‌گویند «متمدن» نمی‌گزد حتی وقتی که خودروی کارمندان خودشان در فلسطین هدف موشک رژیم‌صهیونیستی قرار می‌گیرد.

المیادین: عقب‌نشینی نمی‌کنیم

خبرنگاران زیادی در لبنان حاضرند و سعی می‌کنند با تمام مشکلات مربوط به شرایط جنگی، اخبار منطقه را پوشش دهند. این مشکلات زمانی صعب‌العبور می‌شوند که یک‌طرف آتش، صهیونیست‌ها با خباثت‌هایی پر و چشم و گوش‌های کور و کر، پیر و جوان و زن و مرد و کودک نمی‌شناسند. حوالی ساعت پنج صبح روز جمعه بود که رسانه‌های لبنانی اعلام کردند در اثر تجاوز مستقیم رژیم‌صهیونیستی به گروه‌های مطبوعاتی در «منطقه حصبیا» در جنوب لبنان تعدادی از خبرنگاران، عکاسان و همرمندان به شهادت رسیدند. چندساعت بعد هم خبرنگاران حاضر در منطقه جزئیاتی از شهادت همکارانشان اعلام کردند که بر اساس آن غسان تجار، تصویربردار شبکه المیادین، محمد رضا مهندس پخش شبکه المیادین و وسام قلسم، تصویربردار شبکه المنار در راه روایت حق و حقیقت به شهادت رسیدند.

غسان بن جدو، رئیس هیئت‌مدیره شبکه المیادین در سوگ از دست دادن همکارانش نوشت که صهیونیست‌ها از کشتار لذت می‌برند و در این میان کسی که آنها را هدف قرار می‌دهد روزنامه‌نگارانی هستند که «جنایاتشان را افشا کرده‌اند» و بنابراین صهیونیست‌ها نسبت به آنها «سادیسم» هستند و از کشتنشان لذت می‌برند. جدو در ادامه با صراحت تاکید کرد: «المیادین ادامه می‌دهد و عقب‌نشینی نخواهد کرد». دیگر خبرنگار المیادین از محلی که خبرنگاران در حاصبیا هدف قرار گرفتند، گفت: اشغالگران مستقیما «بیش از یک تیم روزنامه‌نگاری» را هدف قرار دادند» و «۲ موشک» از یک هواپیمای جنگی مستقیماً به محل اسکان تیم‌های خبرنگاران برخورد کرد. این جنایت در حالی با واکنش‌های محکومیت‌آمیز بین‌المللی روبه‌رو شد که رژیم‌صهیونیستی پیش از این هم به طور مستقیم خبرنگاران و راویان جنایت‌هایش را به شهادت رسانده بود.

دوماه اول جنگ؛ هرروز یک شهید خبرنگار

تنها دو ماه از آغاز طوفان الاقصی گذشته بود که کمیته حفاظت از خبرنگاران اعلام کرد ۵۶ خبرنگار فلسطینی و ۳ خبرنگار لبنانی به شهادت رسیده‌اند. شهادت این تعداد از خبرنگاران معادل کل مرگ‌ومیرهای خبرنگاران در سال ۲۰۲۲ بود. انتشار این آمار مثل همیشه هشدارهای «پوشالی» سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را به دنبال داشت که درصدی از سرکشی نظامیان رژیم در به شهادت رساندن خبرنگاران کم نکرد. یکی از اولین اقدامات رژیم علیه خبرنگاران پس از طوفان‌الاقصی، روز ۱۳ اکتبر و با هدف‌قرار دادن عصام عبدالله، خبرنگار رویترز و گروهی از خبرنگاران در جنوب لبنان بود که به دلیل وابستگی عبدالله به رویترز، به صورت گسترده مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت.

پس از آن هم رژیم‌صهیونیستی در حملاتی هدفمند و کاملا آگاهانه بسیاری از خبرنگارانی که در حالت روایت وضعیت نوار غزه بودند را به شهادت رساند. صهیونیست‌ها همچنین دفاتر رسانه‌ای زیادی را از جمله آژانس خبری فرانسه هم در بمباران‌های لبنان تخریب کردند. الن مروان، از «کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار خبرنگاران» می‌گوید: «غزه به سیاهچاله‌ای خبری تبدیل شده است» و آنچه در غزه می‌گذرد نمی‌تواند از چشم جهانیان پنهان بماند. «همه بر سر حقیقت و تاریخ» است و آنچه که اتفاق می‌افتد باید ثبت شود. این دقیقا همان دلیلی است که باعث شده رژیم‌صهیونیستی چنین حساسیتی را در قبال خبرنگاران داشته باشد و روزها برای شناسایی هدف‌های اصلی‌اش زمان گذاشته و در نبردی نابرابر موشک‌هایش را بر سر آنها فرود آورد. شمار شهدای خبرنگار غزه به حدی بالا می‌رفت که ناصر لوبکر، رئیس سندیکای روزنامه‌نگاران فلسطینی، وضعیت همکاران خبرنگارش در غزه را چنین توصیف می‌کند که تا پیش از ۷ اکتبر، ۲۰۰ خبرنگار در غزه داشتیم. امروز «تقریبا هیچ خبرنگاری» باقی نمانده است.

همکاران ما «هر روز» هدف حمله‌های ارتش اسرائیل هستند. خیلی از آنها اعضای خانواده‌شان را از دست داده‌اند. دفترها و تجهیزات خبری همه خراب شده‌اند. اسرائیل دارد مرتکب «جنایت علیه اطلاعات» می‌شود. معتز عزایزه، یکی از خبرنگارانی است که هنوز در غزه فعال است و روزانه در صفحه اینستاگرامش از وضعیت زندگی فلسطینی‌ها در شرایط جنگی غزه گزارش می‌دهد. ناصر لوبکر درباره او می‌گوید مرتبا «تهدید به مرگ» می‌شود و روی وانسپ پیام‌ها و تماس‌هایی از سوی افراد ناشناس یا نظامی دریافت می‌کند. خبرنگاران فلسطینی که هنوز در کرانه باختری کار می‌کنند هم توسط نیروهای نظامی اسرائیل به مرگ تهدید می‌شوند. رئیس سندیکای روزنامه‌نگاران می‌گوید من هر روز قبل از شروع کار با همکارانم در غزه احوال‌پرسی می‌کنم و تمام آنها فقط یک جواب می‌دهند: «هنوز زنده‌ایم». آنها هر لحظه منتظر مرگند و مدام از خود می‌پرسند که آیا نفر بعدی آنها خواهند بود یا نه؛ با این‌حال به کارشان ادامه می‌دهند. اگر آنها دست از کار بکشند، چه کسی این جنایات را ثبت خواهد کرد؟ اسرائیل می‌خواهد خبرنگارانی که جنایت‌هایش را ثبت می‌کنند به قتل برساند.

زمانی خبرنگاران نقطه امن نظامیان بودند

رژیم‌صهیونیستی در حالی هیچ تفاوتی بین خبرنگار و نظامی قائل نیست که گزارش‌های موجود از نبردهای مختلف تاریخ حاکی از استفاده از خبرنگاران به عنوان سپر انسانی بوده است. مثلا در جریان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، نیروهای آمریکایی از خبرنگاران «همراه» برای مستندسازی عملیات و کاهش حساسیت‌ها استفاده کردند که برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که این همراهی نفقط برای مستندسازی و خبررسانی که برای پوشش نظامی و جلوگیری از حمله به نظامیان بوده است.

در جنگ افغانستان هم نیروهای مختلف گاهی برای محافظت در برابر حملات هوایی از «مناطق غیرنظامی» استفاده می‌کردند و در مواردی نیز خبرنگاران در مناطقی که احتمال حمله هوایی وجود داشت مستقر می‌شدند. این کار اگرچه همیشه از سوی نظامیان انجام نمی‌شد، اما حضور خبرنگاران در چنین مناطقی آنها را در موقعیتی قرار می‌داد که عملاً به‌عنوان سپر انسانی برای کاهش حملات هوایی استفاده شوند.

امروز اما رژیم‌صهیونیستی نه‌تنها مناطق غیرنظامی، که حساس‌ترین نقاط مربوط به خدمت‌رسانی مثل مدرسه و بیمارستان را هدف مستقیم موشک‌های چندتنی قرار می‌دهد. طی همه این موارد نظامیان سعی می‌کردند در شرایط بحرانی در کنار خبرنگاران قرار گیرند تا آسیب کمتری از دشمن متحمل شوند. در جنگ غزه اما نه‌تنها چنین فرصتی برای مقاومت فلسطین فراهم نیست که حتی خود خبرنگاران و اهالی رسانه هم از شلیک‌های مستقیم رژیم در امان نیستند. تا مدتی قبل رژیم‌صهیونیستی پس از به شهادت رساندن خبرنگاران ادعا می‌کرد که آنها هدف مستقیمش نبوده‌اند و هزینه‌های جانبی حملاتش هستند. امروز اما آنها به‌صورت کاملا مستقیم حتی مراکز رسمی مربوط خبرنگاران را هم بمباران می‌کنند. یکی از اهداف تأسیس دفترهای رسانه‌ای در نوار غزه این بود که نمایندگان رسانه‌ها بتوانند با خیال راحت در این دفترها مشغول به کار شوند و دیگر رژیم نتواند ادعای هزینه جانبی را تکرار کند اما در طول یک سال گذشته شاهد بودیم که حتی این دفترهای رسانه‌ای هم به دست نظامیان رژیم تخریب شدند.

دیدگاه

دستاوردهای ایران از بریکس

اگر پلند پروازی‌های بریکس بتواند شکل واقعی به خود بگیرد و بلوک توسعه‌نوین تشکیل شود و مرام‌نامه‌ها و اهداف جامعه عمل بپوشد، ایران می‌تواند از این نگاه به شرق خود از بریکس هم استفاده کامل را ببرد و مشکلات اقتصادی که برای ایران به وجود آمده به حداقل برسد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان ملی، سازمان بریکس با بلند پروازی‌های زیادی تشکیل شده است. یک ضلع این سازمان در آمریکای لاتین یعنی کشور برزیل، یک ضلعش در آفریقا، یک ضلع در آسیا و یک ضلع نیز در اروپا است که که کشور روسیه است.

البته از سال گذشته نیز یک ضلع در خاورمیانه به این کشورها اضافه شده که ایران است. لذا اکنون بریکس شاید در مجموع بیش از ۵۰ درصد جمعیت و سرزمین‌های دنیا را در بر داشته باشد. البته بریکس بر اساس اساسنامه و هدف‌های اولیه بلندپروازی‌های بی‌شماری دارد از جمله اینکه بنا است بلوکی تشکیل دهد و هر کدام از این کشورها در مناطقی که هستند بر اساس سازوکار بریکس به توسعه تجارت بپردازند. اصل هدف این سازمان نیز بیشتر بر مبنای توسعه اقتصادی است که هر کدام از این کشورها در منطقه خود با کشورهای همجوار این تجارت را ادامه دهند تا در نتیجه به یک توسعه پایدار برسند. البته جهان امروز نیز به سمت مناطق اقتصادی می‌رود و به نظر می‌رسد که قدرت‌های هژمون قدیمی در آینده اعتبار خودشان را از دست خواهند داد. لذا می‌بینیم که سازمان‌های نوظهوری همچون شانگهای و بریکس و... امروز در جهان می‌توانند بیش از پیش به فعالیت بپردازند بنابراین نمود و مصداق این چندجانبه‌گرایی این است که در مناطق مختلف دنیا همگرایی‌های اقتصادی ایجاد می‌شود که این همگرایی‌های اقتصادی و توسعه اقتصادی بتواند قدرت‌های هژمون را به عقب رانده و خودش را از اقتصاد و سیاست و نظام هژمونی که آمریکایی یا قدرت‌های کوچکتر مثل اتحادیه اروپا ایجاد کرده‌اند رها کند. بنابراین شرکت ایران در این سازمان‌ها مثل بریکس این امید را به وجود می‌آورد که اگر پلند پروازی‌های بریکس بتواند شکل واقعی به خود بگیرد و بلوک توسعه‌نوین تشکیل شود و مرام‌نامه‌ها و اهداف جامعه عمل بپوشد، ایران می‌تواند از این نگاه به شرق خود از بریکس هم استفاده کامل را ببرد و مشکلات اقتصادی که برای ایران به وجود آمده به حداقل برسد. از نظر تحریم‌هایی که آمریکا و اروپایی‌ها بر علیه ایران در نظام بانکی در تجارت ایجاد کردند و به خصوص در مسئله فروش نفت، این امکان فراهم می‌شود در میان‌مدت و بلندمدت دریچه‌ها و پنجره‌هایی به روی ایران باز شود تا راحت‌تر بتواند تجارت بین‌المللی خودش را با قدرت‌های نوظهور و کشورهایی که عضو بریکس هستند انجام دهد و بعد از آن طریق به کشورهای همجوار هم، از طریق منابع یا صادرات دسترسی داشته باشد. البته واقعیتی هم باید مطرح شود که بریکس بارها اعلام کرده که دنبال مقابله با بلوک غرب و آمریکا نیست بلکه می‌خواهد برای توسعه اقتصادی با غرب و آمریکا هم همکاری اقتصادی خود را داشته باشد. لذا نمی‌خواهد به عنوان یک بلوک نظامی مطرح شود. کما اینکه چین، هند، برزیل و حتی آفریقای جنوبی کشورهایی هستند که با غرب و آمریکا تجارت بسیار پررونقی دارند.

علی اصغر زرگر

برش

رجزخوانها تذکر ندارند؟

صرف تجاوز به حریم کشور اقدام بسیار مهمی است و باید پاسخ داد، ولی چون ما نیز قبلاً اقدام مشابهی کرده‌ایم اکنون مصلحت عمومی و مردم منطقه، ایران را مجاب به چنین رفتاری کرده است و این متفاوت از کوچک شمردن و مسخره کردن تجاوز است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از هم میهن، ۱- حمله اسرائیل در ساعات آغازین شنبه به چند نقطه از میهن ما نشان داد که ادعاهای اسرائیل بیش از آنکه با واقعیت تناسب داشته باشد، تبلیغاتی است. حدود چهار دهه پیش میان سیاست‌های توسعه‌طلبانه منطقه‌ای این رژیم با ایالات متحده اختلافاتی پیدا شد، مناخیم بگین نخست‌وزیر دست‌راستی آن زمان اسرائیل برای تحقیر رئیس‌جمهور آمریکا گفت ما ۷۰۰۰ سال پیش از تو بوده‌ایم و ۷۰۰۰ سال بعد از تو هم خواهیم بود.

اکنون و در جریان تقابل اخیر آنان با ایران نشان دادند که در برابر آمریکا نه‌تنها استقلال نظامی و تسلیحاتی ندارند، بلکه مهمتر از آن فاقد استقلال سیاسی هم هستند و عملاً فاقد توانایی‌های کافی برای پیشبرد مستقلانه سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود هستند و از این پس ایالات متحده نمی‌تواند در برابر سیاست‌های تخریبی و جنگ‌طلبانه اسرائیل در منطقه از خود رفع مسئولیت کند.

۲- گرچه ایران به‌درستی حق پاسخگویی برای خود را محفوظ داشته است، ولی برخی شواهد حاکی از آن است که اراده‌ای نسبی به‌ویژه از سوی ایالات متحده و ایران شکل گرفته که اجازه ندهند اسرائیل منطقه را با جنگی غیرقابل‌پیش‌بینی مواجه کند. شاید آمریکا علاقه‌ای ندارد که در آستانه انتخابات هفته آینده خود با چالشی بین‌المللی و پیش‌بینی‌شده درگیر شود.

ضمن اینکه ظاهراً اصرار داشته‌اند که اسرائیل این غائله را پیش از انتخابات هفته آینده آمریکا حل کند و اجازه ندهد که این مسئله در انتخابات آنجا اثرگذاری منفی پیدا کند.

۳- چنین برداشت می‌شود که فعالیت‌های دیپلماتیک وزارت امورخارجه و برنامه‌های سیاسی دولت نقش مهمی در شکل‌گیری اراده معطوف به صلح در کل منطقه داشته است. ازاین‌رو، اتفاق اخیر را می‌توان اولین میوه انتخابات اخیر و روی کار آمدن دولت پزشکیان در رویکرد سیاست خارجی دانست. رویکردی که کلیات آن از سوی پزشکیان بارها اعلام شده است. آنان که هنوز ارزش بالای انتخابات اخیر را در تامین بهتر منافع ملی منکر می‌شوند، باید در این نگاه نادرست خود تجدیدنظر نمایند.

۴- واکنش بازار بهترین سنجه و شاهد در فهم برداشت مردم از ماجرا است. افزایش قیمت دلار و طلا در سه هفته گذشته نشانگر اقبال اعتماد مردم به آینده بود. طبعاً کاهش شدید قیمت آنها طی دیروز نشان می‌دهد که تصور و انتظارات مردم در مواجهه با این حمله به معنای ختم ماجراست. این تحولات نشان داد که ثبات سیاسی در داخل و خارج شرط ضروری برای توسعه و پیشرفت کشور است.

۵- این رویداد نشان داد که سیاست و نظام رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی ایران هیچ تناسبی با مقتضیات جهان رسانه‌ای و دیجیتالی ندارد. درحالی‌که اولین خبرها را اسرائیل اعلام کرد و پس از آن میدان رسمی و غیررسمی اطلاع‌رسانی در فضای واقعی و مجازی به تصرف رسانه‌ها درآمد. در این میان، غیبت و حضور ضعیف و با تأخیر و البته معنادار رسانه‌های رسمی ایران نه‌تنها فضا را برای انتشار شایعات و اخبار نادرست فراهم کرد، بلکه تعبیر به غافلگیری و حتی انفعال هم شد. درحالی‌که باید لحظه‌به‌لحظه اطلاع‌رسانی دقیق صورت می‌گرفت.

متاسفانه مهمترین اقدامی که در این میان دیده شد، اعلام جرم علیه یک سایت و چند فرد در خصوص خبررسانی است که این نیز موجب اثرات منفی بیشتر بر اعتبار اخبار رسمی و نظام اطلاع‌رسانی کشور می‌شود. ای کاش حداقل برای یک بار هم که شده، علیه کسانی که ترک فعل کرده‌اند و از وظیفه اطلاع‌رسانی غفلت می‌کنند نیز اعلام جرم می‌شد تا میدان خبر به‌طور کامل به تصرف دیگران در نمی‌آمد.

۶- بالاخره باید تذکری هم به رجزخوان‌های حرفه‌ای داد که این حمله را در حد آتش‌بازی تقلیل دادند. باید توجه کرد که حتی اگر سیاست ایران به‌درستی بر عدم پاسخ تعلق بگیرد که تاکنون چنین برداشتی وجود دارد، ولی نه این تجاوز و نه هیچ تجاوز دیگری را نباید کوچک شمرد و عادی‌سازی کرد.

صرف تجاوز به حریم کشور اقدام بسیار مهمی است و باید پاسخ داد، ولی چون ما نیز قبلاً اقدام مشابهی کرده‌ایم اکنون مصلحت عمومی و مردم منطقه، ایران را مجاب به چنین رفتاری کرده است و این متفاوت از کوچک شمردن و مسخره کردن تجاوز است.